

## مقدمه

پیریزی تربیت مبتنی بر رهنمودهای اسلام که بر پایه فطرت و حرکت به سوی فضیلت و کمال است، در محیط خانواده امکان پذیر است؛ زیرا خانواده مناسب ترین نظام برای تأمین امنیت و آرامش روانی اعضا، پرورش نسل جدید، اجتماعی کردن، برآورده ساختن نیازهای عاطفی افراد و تربیت فرزندان شمرده شده، سهم بسیار ارزنده ای در بنای تمدن انسانی و اسلامی دارد (شریف قریشی، ۱۳۶۲، ص ۱۵). از ملزومات اساسی برای نایل شدن به این کارکرد مهم، سلامت خانواده است. ازجمله ویژگی و ملزومات عمده خانواده سالم، داشتن روابط عاطفی زن و شوهر با همدیگر است. در این روابط زن و شوهر دوستی خودشان را نسبت به هم براساس آموزه های دینی ابراز می کنند و بر این اساس برای هم، ارزش، احترام، حقوق و تکالیفی قائل می شوند و برای اجرا کردن آن با همدلی، دلجویی و بهره گیری از کلمات محبت آمیز و مناسب می کوشند (صافی، ۱۳۸۸، ص ۱۸). بنابراین موفقیت والدین در پرورش فرزندان شایسته و همسو با معیارهای دینی، به چگونگی برقراری رابطه آنها با دیگر اعضای خانواده بسیار وابسته است؛ از این رو، برقراری ارتباط حسنه عاطفی - اجتماعی با دیگران یک هنر است و همه افراد جامعه، به ویژه والدین باید برای به دست آوردن این مهارت بکوشند. رابطه مطلوب عاطفی مهم ترین نقش را در زندگی انسان دارد. شاید هیچ یک از ابعاد تجارب زندگی انسان به اندازه روابط عاطفی والدین در رشد شخصیت سالم فرزند مؤثر نباشد. امام صادق علیه السلام بر این گونه ارتباط با فرزند تأکید می کنند و می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶، ص ۵۰)؛ خدا والدین را به دلیل دوست داشتن و محبت به فرزند، مشمول رحمت گسترده خود می کند.

با توجه به اینکه در جهان کنونی، زندگی اخلاقی و عاطفی بشر بر اثر تزلزل نظام های ارزشی و انحلال مبانی فطری کانون تهدید قرار گرفته است و جامعه بشری با بحران ها و ستم های گوناگون اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روبه رو شده است (یوسفیان، ۱۳۸۶، ص ۲۶)، اهمیت بررسی عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده که هدف اصلی این تحقیق است، مضاعف می شود.

## پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه، پژوهشی که به طور کامل با موضوع پژوهش حاضر مرتبط باشد، یافت نشد. در ادامه برخی پژوهش ها که تا اندازه ای با موضوع تحقیق مرتبط بودند، مرور می شود. بررسی های انجام شده از زاویه دید روان شناسان (ایزنیبرگ و لوسویا، ۱۹۹۷) و جامعه شناسان (بکر و اپستین، ۱۹۹۳؛ هندرسون و برلا، ۱۹۹۴، وینسنت و تام، ۲۰۰۰) و روان شناسان اجتماعی (براون و

## عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده؛ برگرفته از احادیث

علی نقی فقیهی / دانشیار دانشگاه قم

an-faghihi@qom.ac.ir

hnajafih@yahoo.com

حسن نجفی / دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه شاهد

دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۹ - پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۱۲

## چکیده

روابط عاطفی میان والدین در خانواده، که مهم ترین نهاد تربیتی جامعه و نخستین آموزشگاه فرد شمرده می شود، اثرگذارترین عامل حرکت مطلوب فرزندان برای انتخاب سبک و شیوه زندگی اسلامی است. این پژوهش به بررسی تعدادی از عوامل عاطفی تربیت فرزندان در خانواده می پردازد. روش انجام پژوهش توصیفی - تحلیلی است. به منظور گردآوری داده های لازم برای دستیابی به اهداف پژوهش، متون حدیثی موجود و مرتبط با موضوع پژوهش با استفاده از فرم های فیش برداری از منابع، گردآوری شده، با شیوه کیفی به تحلیل آنها پرداخته است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که عواملی چون: همسویی بیش ها و باورهای مذهبی، اندیشه از خود دانستن وجود فرزند، انسان دوستی، محبت، خوش رویی، تکریم و احترام متقابل، حسن ظن (مثبت نگری)، عفو و بخشش، نیکی در برابر بدی ها، یار و غمخوار و مایه نشاط بودن، هدیه دادن، هماهنگی میان گفتار و رفتار، ابراز عواطف مثبت، توجه به امنیت روانی و الگودهی، از جمله عوامل تربیت عاطفی فرزندان در نهاد خانواده اند که در آموزه های معصومان علیهم السلام بر آنها تأکید شده است.

کلیدواژه ها: عوامل روان شناختی، خانواده، تربیت عاطفی، فرزندان، احادیث.

بررسی آیات ششم تحریم، پنجاه و پنجم مریم، سیزده و هفدهم لقمان، چهل و چهارم هود و خطبه ۸۴ نهج البلاغه حاکی است که در دین مبین اسلام، خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی است که بر انسان تأثیر می‌گذارد و شاکله تربیتی وی را سامان می‌دهد و از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌های رحمت و مودت است که به دلیل مناسبات و روابط ویژه عاطفی، پایدارترین آثار روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار تربیتی انسان برجای می‌گذارد (صمدی، رضایی، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. به این صورت که متون حدیثی مرتبط با عوامل عاطفی تربیت فرزندان در خانواده، با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری از منابع گردآوری و در جهت تحقق اهداف پژوهش بررسی، توصیف و تحلیل شده است.

### عوامل تربیت عاطفی فرزندان در خانواده

عوامل تربیت عاطفی، زمینه‌هایی اند که در ارتباط یک انسان با دیگران تحقق یافته، باعث اثرگذاری بر عواطف و منش شخصیتی همدیگر یا فرد ثالث می‌شوند و در عمل به سود همدیگر گامی برمی‌دارند یا دست‌کم اظهار همدردی یا احساس همدلی و یگانگی می‌کنند. این آثار به شکل محبت، مودت، رحمت، لطف، رأفت، عفو و گذشت، خشوع، الفت، شفقت، احسان، حلم، شکر و مانند آن در ابراز و عملکرد افراد نمود می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۷).

واژه تربیت نیز که از نظر لغوی به معنای پروراندن، پروردن، آموختن، تأدیب و سیاست، ترقی و برتری و احسان و تفقد بر شاگرد و دیگر زبردستان به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۵۷۷۶)، از ریشه «ربی» و «ربأ» گرفته شده است که بر برتری، رشد و علو دلالت می‌کند. بنابراین، تربیت عبارت است از فراهم آوردن زمینه و امکانات برای رشد و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های بالقوه انسان و هدایت آن به سوی مطلوب (میناگر، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

در شکل‌گیری و تکون شخصیت و ویژگی‌های عاطفی، اخلاقی و رفتاری فرزندان، دو عامل وراثت و محیط دخالت دارند. در میان عوامل محیطی، اثرگذارترین عامل، خانواده است و در میان عوامل خانوادگی محوری‌ترین عامل والدین اند (پناهی، شریفی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹). با توجه به نقش کلیدی والدین در انتقال ارزش‌های دینی و معنوی به فرزندان و اهمیت رشد شخصیت مطلوب عاطفی ایشان با محوریت فرهنگ ناب دینی، نسبت به یکدیگر و تأثیر آن بر رشد تربیت مطلوب فرزندان، در ادامه به تعدادی از عوامل تربیت عاطفی فرزندان در نهاد خانواده، اشاره می‌شود.

فرانسیس، (۱۹۹۳) حاکی از آن است که خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا و روابط و مناسبات خود قرار می‌دهد. همه‌چیز در این محیط، به‌ویژه عوامل انسانی و به‌ویژه والدین بسیار اثرگذار است و اثرپذیری فوق‌العاده کودک و روابط عاطفی حاکم بر خانواده، این تأثیر را هرچه بیشتر می‌کند.

مور و همکاران (۲۰۰۴)، نشان دادند که روابط دوستانه والدین، در کودکی و نوجوانی اعتماد به نفس، شادی و رضایت از زندگی را برای فرزندان به ارمغان می‌آورد و بی‌شک، سلامت فیزیکی و روانی افراد در بزرگسالی نیز ریشه در حمایت‌های پدر و مادر در اوان کودکی دارد. آدکینز (۲۰۰۳)، نشان داد که کودک نخستین تجارب حمایت اجتماعی خود را در کانون خانواده کسب می‌کند و نحوه برخورد، پذیرش، دوست داشتن و رفتار مساعد با کودکان او را برای احیای نقش‌های اجتماعی و برطرف ساختن نیازهایش یاری می‌دهد.

کانتز (۲۰۰۰)، در بررسی‌های خویش به این نتیجه رسید که میزان تأثیر والدین بر روی نگرش‌های فرزندان و عواطف و رفتار آنان بسیار چشمگیر است. آنان نقش اساسی در شکل‌گیری باورها ایفا می‌کنند و نگرش‌ها و اعتقادات خود را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به کودکان انتقال می‌دهند و کودکان این تأثیر را با مشاهده اعمال و رفتار والدین می‌پذیرند.

آلبرت بندورا (۱۹۷۷) اعتقاد دارد که بیشترین یادگیری‌ها و تأثیرپذیری‌های انسان‌ها با مشاهده و دیدن الگوهای ارائه شده است. هر اندازه الگوها محبوبیت و جایگاه ارزشی ویژه‌ای داشته باشند، اثرگذاری بیشتری بر الگوگیرنده‌ها دارند. پس والدین در جایگاه نخستین الگو، بر شخصیت کودکان، اجتماعی شدنشان، روش‌های تعامل با دیگران، نحوه برخورد با مشکلات زندگی و مسائل اخلاقی و اعتقادی کودکان تأثیر جدی و اساسی دارند.

نیک‌نژادی، گلستانی و احمدی (۱۳۸۶)، در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که والدین یکی از مهم‌ترین منابع شکل‌گیری خودپنداره و احساس ارزشمندی نسبت به خود در کودکان و نوجوانان هستند و با این شیوه کودک و نوجوان ادراکات، نگرش‌ها و واکنش‌های دیگران را جزئی از ارزش‌های درونی خود می‌کند.

فرجاد (۱۳۷۲)، در مطالعه‌ای با عنوان «چگونگی برخورد خانواده و تأثیر آن در نوع رفتار کودک و نوجوان» به این نتیجه دست یافت که محبت و خشونت والدین بر رفتار کودک و نوجوان اثر خواهد گذاشت؛ پس نگرش‌ها و الگوهای رفتاری که کودکان در جریان رشد خود فرامی‌گیرند، شبیه نگرش‌ها و الگوهای رفتاری‌ای است که در والدین آنها دیده می‌شود.

**الف) همسویی بینش‌ها و باورهای مذهبی**

بنیادی‌ترین مسئله در نهاد خانواده که سبب آرامش و جلب عاطفی اعضای آن می‌شود اصل همتایی در بینش‌ها و باورهای دینی اعضای خانواده، به‌ویژه همسران، است. در تعالیم اسلامی هنگام گزینش همسر بر اصل «کفو» به معنای همتایی و همانندی تأکید شده است، بدین معنا که زن و مرد در افکار و باورها و ویژگی‌های رشدی تقریباً همتا باشند: «أَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَأَنْكِحُوا مِنْهُمْ وَاخْتَارُوا لِطُفُكُم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۳۶). همسویی والدین در باورهای مذهبی، افزون بر اینکه سبب گرمی خانواده، به‌خصوص تحکیم روابط عاطفی خودشان است، در تربیت مطلوب فرزندان نیز مؤثر است. روابط عاطفی مطلوب و دین‌پسند والدین به هم و فرزندان ناشی از خدا باوری در بینش‌ها، افکار و باورهای آنان است؛ پس داشتن بینش واحد و هماهنگ والدین در نوع برقراری روابط، با محوریت دینی و عملیاتی ساختن آنها در زندگی، از مهم‌ترین عوامل عاطفی پرورش شخصیت فرزندان است.

**ب) اندیشه از خود دانستن وجود فرزند**

از عوامل شکل‌گیری روابط عاطفی مطلوب والدین نسبت به فرزندان این است که والدین وجود فرزندان را از خود آنها می‌دانند و علاقه طبیعی و خدادادی میان خودشان و آنان را احساس می‌کنند و خوبی و بدی آنان را، خوبی و بدی خودشان می‌دانند و به سرنوشت مطلوب و زندگی سعادت‌مندانانه دنیایی و اخروی آنها علاقه‌مند هستند (فرهادیان، ۱۳۸۸، ص ۹). امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> در تبیین این ویژگی عاطفی والدین و لزوم پرورش آن، با عنوان حقوق فرزند یاد کرده، می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقَّ وَلَدِكَ فَتَعْلَمُ إِنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافَ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَإِنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَكَلِّتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَالْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فَبِكَ وَفِي نَفْسِهِ فَمُتَّابٌ عَلَى ذَلِكَ وَمَعَاقِبٌ» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۸۹)؛ حق فرزندان بر تو آن است که بدانی او از توسل و رفتار نیک و بدش در این دنیا با تو پیوند دارد و تو به دلیل مسئولیت و ولایتی که بر او داری موظفی او را خوب تربیت کنی و به جانب پروردگارش رهنمون باشی و به او کمک کنی تا در ارتباط با تو و خودش، از خداوند فرمان برد و نیز توجه داشته باش که اگر او را به شایستگی تربیت کنی، پاداش آن را خواهی یافت و چنانچه در تربیت او سهل‌انگاری کنی مورد عقوبت خداوند قرار خواهی گرفت.

والدین با ایجاد ارتباط عاطفی و دوستانه مبتنی بر این حقیقت فطری انسان، ارتباط سیستمی متعالی در شبکه اعضای خانواده برقرار می‌کنند و محیط عاطفی مناسبی برای فرزندان فراهم می‌آورند تا توانمندی‌هایی که در فطرت آنها نهاده شده است، به تدریج بروز و پرورش یابد و موجب برقراری

ارتباط نیک با فرزندان، احترام و تکریم آنها، تقویت احساس ارزشمندی، رضایت، خشنودی و دیگر صفات مهم عاطفی تربیت در آنان گردد (فقیهی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱-۱۹۰؛ ضیایی، ۱۳۹۰، ص ۵۳).

انسان به دلیل داشتن غریزه «حب ذات»، به خود و همه دارایی‌هایش دلبستگی دارد. براساس حکمت خداوندی، همین نکته سبب می‌شود در برابر مخاطرات و تهدیدها محافظت کند. پدران و مادران از آن جهت که فرزندان را پاره‌ای از وجود و ثمره زندگی خود می‌دانند، به شدت به فرزند احساس دلبستگی دارند؛ از همین رو سخت از او محافظت می‌کنند. از منظر امام علی<sup>علیه السلام</sup> فرزند نه تنها پاره‌ای از وجود آدمی، بلکه همه وجود اوست. ایشان در بخشی از نامه خویش به امام حسن<sup>علیه السلام</sup> چنین می‌فرمایند: «و تو را دیدم که پاره تن من، بلکه همه جان منی، آن‌گونه که اگر به تو آسیبی برسد به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است» (سید رضی، ۱۳۸۷، ترجمه دشتی، نامه ۳۱). والدین با ابراز محبت به فرزند، شخصیت عاطفی او را می‌پروراند و زمینه دلبستگی کودک را به خود فراهم می‌سازند؛ بدین ترتیب، روابط کودک در جامعه بزرگ‌تر شکل می‌گیرد به گونه‌ای که کودک این رابطه با والدین را بعدها نیز ادامه خواهد داد تا رفتار او را با والدین محبوبش تطبیق دهد. پس دلبستگی والدین به فرزند می‌تواند زمینه لازم برای تأثیر مثبت والدین بر فرزندان را فراهم سازد و آنان را به سوی تطبیق رفتارشان با والدین تشویق و ترغیب کند (سپاه‌منصور، شهابی‌زاده، خوشنویس، ۱۳۸۷، ص ۲۵۵). درحقیقت، این نوع علاقه طبیعی میان والدین و فرزندان از عوامل مؤثر در سبک زندگی مطلوب سفارش شده در آموزه‌های اسلامی است که می‌تواند زمینه‌ساز پرورش فرهنگ و اخلاق دینی در خانواده شود.

**پ) انسان دوستی**

بشر دوستی که در فطرت پدر و مادر وجود دارد، خود سرمنشأ برقراری روابط عاطفی با فرزند است. در فرهنگ قرآن به برقراری ارتباط عاطفی افراد بشر با دیگری به مثابه یک اصل تربیتی توجه شده است؛ از این رو، مادامی که افراد و از جمله فرزندان از رفتار انسانی بیرون نرفته‌اند و درصدد مقاتله و دشمنی با خدا و دین برنیامده‌اند و برای اخراج افراد دیگر از سرزمینشان اقدامی صورت نداده‌اند، همچنان بر رابطه دوستی، حتی در سطح برّ و احسان و برخورد عدالتی تأکید می‌شود (ممتحنه: ۹ - ۸). در احادیث متعدد عملیاتی ساختن این میل فطری سرآمد فعالیت‌های خردمندانه آدمی شمرده شده است (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳). تمایل فطری آدمی به بشر دوستی مصادیق فراوانی دارد و در عملیاتی و اجرایی کردن محبت، هرکسی که به فرد نزدیک‌تر است

شدت بیشتری دارد، از جمله این محبت‌ها، محبت والدین به فرزند است. البته محبت مؤمنان به هر فردی در طول محبت خداست.

### ت) محبت

میل به محبت دیدن و محبت‌ورزی از تمایلات فطری انسان است که در هر دوره‌ای از زندگی، تحول و رشد به آن نیازمند است و باید از بدو تولد تا آخرین زمان وداع با این دنیا، متناسب با دوره رشد خویش، همواره این نیاز عالی و اساسی تأمین شود (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۳۲). محبت، احساسات و تمایلات خانوادگی و اجتماعی انسان‌ها را نسبت به همدیگر در عرصه‌های گوناگون زندگی، عمیق و ریشه‌دار می‌سازد؛ زیرا محبت، مهربانی و عطوفت، به زندگی خانوادگی و اجتماعی گرما می‌بخشد و صمیمیت، صداقت و برخورد نیک و شایسته را در پی دارد. پیامبر اکرم ﷺ در باب این نکته مهم می‌فرماید: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِمَرْأَتِهِ: إِنِّي أَحِبُّكَ، لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۵، ص ۵۶۹)؛ مردی که به زنش بگوید: من تو را دوست دارم، [اثر این سخن] هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود.

محبت زن و شوهر به هم یکی از راهکارهای اساسی در شیرینی و شادکامی زندگی زناشویی است که در تحکیم عواطف آنان با فرزندان نیز بسیار مؤثر است. محبت در مقام یکی از آموزه‌های اخلاقی اسلام مورد تأکید است (مروجی طبسی، ۱۳۸۳، ص ۶۲). خداوند در باب اهمیت این موضوع می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱)؛ از نشانه‌های قدرت خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی برایتان آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.

بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، محبت است و بهترین عامل برای استحکام و بقای آن، برانگیختن عواطف متقابل همسران به یکدیگر است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «فَأَشْفِقُوا عَلَيْهِنَّ وَطَيَّبُوا قُلُوبَهُنَّ حَتَّى يَقِفْنَ مَعَكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا النِّسَاءَ وَلَا تَسْخَطُوا بِهِنَّ» (نوری طبسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۲)؛ با زنان مهربانی کنید و دل‌هایشان را به‌دست آورید تا با شما همراهی کنند و هرگز آنان را مجبور و خشمگین نکنید.

از این رو، لازمه شادابی و نشاط روانی زن و مرد، به‌ویژه زن این است که خود را محبوب همسر خویش ببیند و از عشق و علاقه او به خویش مطمئن باشد. اگر زن درباره محبت و علاقه همسرش به خود تردید کند، احساس درماندگی و ناتوانی عاطفی به او دست می‌دهد. این مسئله چنان بر روان زن اثر می‌گذارد که علاقه او به فرزندش نیز کمتر می‌شود؛ به بیان دیگر، عاطفه مادری به‌شدت از عواطف

شوهر در قبال زن تأثیر می‌پذیرد و این خود نشان می‌دهد که هرچه محبت و علاقه در روابط عاطفی والدین بیشتر برقرار باشد، فرزندانی تربیت خواهند شد که محبت را در کانون اعمال و رفتار خویش قرار خواهند داد (حیدری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۳). افزون بر آن، محبت و به‌ویژه ابراز آن در همه مراحل و همدلی با فرزندان، نقشی بسیار مهم در تربیت عاطفی آنان دارد.

والدینی که با فرزندشان محبت شدید و همدلی دارند، می‌توانند احساس سرخوردگی احتمالی فرزند را از نتایج توصیه‌های خود و چگونگی ارتباط خود با فرزندان کشف کنند و برای یافتن راه حلی که برای هر دو پذیرفتنی باشد، کوشش کنند؛ به بیان دیگر، والدینی که با احساسات فرزند خود همدلی می‌کنند، مایل و قادرند که به‌طور سازنده به‌سوی مطلوب حرکت کنند و زمینه ارتباط مطلوب و مؤثر با فرزندشان را فراهم نمایند. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَا ذَلِكَ» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶، ص ۵۰)؛ بدون تردید، خداوند بر بنده خود به‌سبب شدت محبت و همدلی با فرزندش، رحم می‌کند.

همدلی والدین اثری مهم بر محافظت و مراقبت از فرزند دارد؛ زیرا هنگامی که والدین از وضعیت و شرایط فرزندشان آگاه باشند و او را درک کنند، به‌دقت و درجه مراقبت خود از فرزندشان در هنگام بروز مشکل و آسیب می‌افزایند و در زندگی فردی و اجتماعی وی مهر و الفت را به ارمغان می‌آورند (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۲؛ کامران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰). البته این نکته حایز اهمیت است که در ابراز محبت و تکریم شخصیت فرزند نباید افراط کرد؛ زیرا در آن صورت شخصیت فرزند بر اثر زیاده‌روی والدین در ابراز محبت‌های نابجا لطمه جبران‌ناپذیری خواهد خورد و او از جامعه توقعات و چشم داشت‌های نابجایی خواهد داشت.

### ث) خوش‌رویی

خوش‌رویی محبوب‌ترین و ارزشمندترین عمل نزد خدا پس از واجبات الهی است و از رحمت الهی برمی‌خیزد. خدای مهربان با معرفی پیامبر اکرم ﷺ در جایگاه الگوی برتر حسن خلق، در خطاب به ایشان می‌فرماید: «به‌سبب لطف و رحمت خدا بود که با آنان نرم‌خویی کردی و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، قطعاً از گرد تو پراکنده شده بودند» (آل عمران: ۱۵۹).

خوش‌رویی و مهربانی والدین با همدیگر و فرزندان از عوامل مهم در پرورش شخصیت عاطفی مطلوب اسلامی است که در ایجاد صفا، آرامش روانی، اعتمادبه‌نفس و شکوفایی استعدادها و فرزندان تأثیری فراوان دارد (حسین‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳). پیامبر گرامی ﷺ درباره

ارزش و جایگاه خوش‌رویی می‌فرمایند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَأَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۱۵۳)؛ شایسته‌ترین مردم از نظر ایمانی، خوش‌اخلاق‌ترین و مهربان‌ترین آنها با خانواده‌اش است. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «البشر الحسن و طلاقه الوجه مکسبه للمحبة و قربة من الله» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۱۰۳)؛ گشاده‌رویی و خوش‌رویی در برخورد با دیگران، مایهٔ جلب محبت آنان و نزدیکی به خداست.

ارتباط والدین با چهرهٔ گشاده رشتۀ دوستی را بادوام‌تر کرده، از یک‌سو سبب کسب مهارت‌های اجتماعی و عاطفی و از سوی دیگر سازگاری بهتر فرزندان با مسائل را به ارمغان می‌آورد. به فرمودۀ امام صادق علیه السلام اخلاق خوش سبب افزایش عمر و بهره‌مندی از نعمت‌ها می‌شود (ر.ک: کلینی، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۴۹)، و نسلی منتظر و مزین به محاسن اخلاق و شخصیت مطلوب عاطفی پرورش می‌یابد (ر.ک: نعمانی، ۱۳۷۶، ص ۲۰۰). بنابراین یکی از نتایج شکوفاسازی و پرورش توانمندی‌های فطری، خوش‌رویی است. هریک از والدین با اخلاق و رفتارهای خوب، ریشه‌های نگرشی و گرایشی حسن خلق در فرزندان را زمینه‌سازی می‌کنند.

### ج) تکریم و احترام متقابل

از دیگر عوامل مؤثر در تربیت عاطفی، حاکمیت فرهنگ احترام متقابل در خانواده است. تکریم شخصیت، نیاز طبیعی هر انسان است؛ زیرا غریزهٔ حب ذات در سرشت انسان نهاده شده است و هرکس می‌کوشد شخصیتش پذیرفته و گرامی داشته شود (قائمی امیری، ۱۳۸۳، ص ۲۵۸)؛ اسماعیلی یزدی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۸ - ۲۵۹). با احترام و تکریم، بستری عاطفی فراهم می‌آید که عزت و کرامت در افراد نهادینه می‌شود و هنجارهای ارزشی، انسانی و معنوی در خانواده و جامعه جایگاه متناسب خود را باز یافته، گسترش می‌یابد.

برای فرهنگ‌سازی تکریم و احترام در خانواده، نخست باید میان زن و شوهر احترام برقرار شود، بدین‌صورت که آنان نگرش کرامتی به همدیگر داشته باشند و برای هم احترام فراوانی قایل شوند و دیگری را ارزشمند بدانند؛ این ارزشمندی را بر زبان آورند و آن را به‌نوعی ابراز کنند؛ با توجه و دقت به سخنان هم گوش دهند، به‌گونه‌ای که از نگرش و حرف فراتر روند و به ارزش‌گذاری فعالانه و قدردانی عملی احترام‌آمیز تبدیل شوند (فقیهی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷۰؛ برنشتاین، ترجمه سهرابی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۴-۱۲۵).

امام سجاده علیه السلام از تکریم همسران در برابر یکدیگر به ادای حق آنها تعبیر می‌کنند و می‌فرمایند: «اما

حق همسر تو این است که توجه داشته باشی خداوند او را آرامش جان، راحت‌باش تو و مونس، همدم و پناه تو ساخته است. تو باید باور داشته باشی که او نعمت خداوندی است برای تو و شکر این نعمت را باید به جای آوری و با وی مصاحبت و همراهی خوب داشته باشی و او را تکریم نمایی و با او با مدارا رفتار کنی...» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۸). امام سجاده علیه السلام در این بیان زن و شوهر را مصاحب و همراه همدیگر دانسته است. ایشان در بیان دیگری برای مصاحب و همراه، حقوقی برمی‌شمارد از جمله اکرام و تکریم یکدیگر (همان، ص ۲۷۲).

بنابراین زن و شوهر و همچنین دیگر اعضای خانواده، بدان سبب که هم‌صحبت و رفیق‌اند باید فرهنگ تکریم را در میان خویش حاکم سازند.

امام صادق علیه السلام به احترام متقابل زن و شوهر بسیار سفارش کرده، می‌فرمایند: «رحم الله عبداً أحسن فیما بینہ و بین زوجته» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۲۴)؛ خدا رحمت کند، بنده‌ای که رابطهٔ میان خود و همسرش را نیکو قرار دهد، همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِكُمْ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۵)؛ برترین شما خیرخواه‌ترین فرد نسبت به زنان خویش است.

رابطهٔ احترام‌آمیز میان زوجین، در نظام تربیتی دینی نشانه‌ها و نمودهای ویژه‌ای دارد. شایسته است که احترام متقابل همسران در برابر هم، افزون بر احترام قلبی در برخی رفتارهای بیرونی نیز ابراز شود. از جملهٔ این رفتارها می‌توان به خواندن همسر با نام مناسب و شایستهٔ شأن او (موسوی زنجانرودی، ۱۳۷۷، ص ۳۷؛ انصاریان، ۱۳۸۹، ص ۳۷۰)، سلام کردن به همدیگر (آمدی، ترجمهٔ خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۳۲۹؛ حسینی، ۱۳۸۸، ص ۲۶) و تشکر و قدردانی از همسر (ملکی، ۱۳۸۵، ص ۲۶) اشاره کرد. فرهنگ‌سازی تکریم و احترام متقابل در میان همسران، در پرورش این فرهنگ در میان اعضای دیگر خانواده تسری می‌یابد و شخصیت مطلوب عاطفی در فرزندان نیز پرورش می‌یابد. در اسلام جدای از توجه به اثربخشی تکریم والدین نسبت به همدیگر، برای تربیت مطلوب فرزند، تکریم او را وظیفهٔ همگان دانسته است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ضمن دستور به اکرام فرزندان نقش این اکرام را در خوب تربیت کردن فرزند دانسته و فرموده‌اند: «اکرموا اولادکم واحسنوا آدابهم» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶، ص ۵۰)؛ لازم است که فرزندان خود را اکرام کنید و برخوردهای خود را با آنان نیکو سازید.

### چ) حسن ظن (مثبت‌نگری)

مثبت‌اندیشی و حسن ظن به دیگران، افزون بر باروری عواطف انسانی، سبب رفع یا کاهش ناهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «حسن الظن راحة القلب،

حسن الظن یخفف الهم» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ح ۴۸۲۳؛ ح ۴۸۱۶)؛ حسن ظن مایهٔ راحتی دل است، حسن ظن تخفیف‌دهندهٔ هم و غم است.

اصولاً دستور دین و تأکید نظام تربیتی و اخلاقی این است که مؤمنان باید نگاه مثبت به همدیگر داشته باشند و هنگامی که چیزهای بدی به مؤمنان نسبت داده می‌شود، آنان را جز به خیر و خوبی یاد نکنند و دروغ بودن نسبت بد به مؤمنان را آشکارا اعلام کنند. پس حسن ظن به‌مثابهٔ یک دستور دینی و اخلاقی در خانواده و روابط میان همسران، جایگاهی مهم دارد و لازم است همسران از هرگونه گمان بد به یکدیگر بپرهیزند تا زمینه آرامش و سازگاری آنان هرچه بیشتر فراهم شود (حسین‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۷۳). نگاه منفی به دیگران نه‌تنها منجر به کاهش و از میان رفتن عواطف انسانی می‌شود، بلکه براساس آموزه‌های اسلامی، این نوع نگاه، مذموم و نکوهش شده است. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا...» (حجرات: ۱۲)؛ ای اهل ایمان از بسیار پندارها (و گمان بد) در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها (باطل و بی‌حقیقت) معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید (و جاسوس بر احوال خلق مگمارید).

منفی‌بافی و نادیده‌گرفتن واقعیت‌های موجود، شرایط فرد، خانواده، گروه و جامعه، زندگی خانوادگی و اجتماعی را دچار بحران می‌سازد. بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های فرا روی جوامع بشری، ریشه در سوء ظن‌های ناآگاهانه و طمع‌آلودی دارد که افراد بر دیگری، روا می‌دارند. از عواملی که نگرش مثبت را در والدین افزایش می‌دهد می‌توان به هم‌اندیشی با خوبان (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۹۷)، ثبات شخصیت و اعتمادبه‌نفس (نور: ۱۲)، پرهیز از تجسس و غیبت (حجرات: ۱۲)، احسان و سهل‌گیری برای هم (سید رضی، ترجمه دشتی، نامهٔ ۵۳)، کنترل تفکر منفی (کلینکه، ترجمهٔ محمدخانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۶۴)، تخریب یا مبارزه با عقاید و باورهای نادرست (گلدارد، ترجمهٔ حسینیان، ۱۳۹۰، ص ۹۵) اشاره کرد. با تقویت نگرش مثبت میان والدین و عملیاتی کردن آن در ابرازها و رفتارها، فرزندان تحت تأثیر قرار می‌گیرند و شخصیت عاطفی‌شان در زمینهٔ مثبت‌نگری نیز پرورش می‌یابد؛ ازاین‌رو، فرزندان به والدین، مربیان، معلمان و دوستان صالح اعتماد می‌کنند و از رفتارهایی چون غیبت، تهمت، استهزا و هر نوع رفتارهای ضداخلاقی که منشأ همهٔ آنها سوء ظن است، مصون می‌مانند.

### ح) عفو و بخشش

یکی از شیوه‌های پسندیده که در تقویت عواطف انسانی نقش بنیادی دارد، شیوهٔ عفو و بخشش است. بخشش، رویارویی منطقی با تألم ناشی از جراحت روحی و بازسازی احساس‌ها و باورهای شخصی

است (دیویس، ترجمهٔ بهاری، ۱۳۸۲، ص ۷۵). بیشترین سفارش اسلام در سبک زندگی خانوادگی، گذشت و چشم‌پوشی زن و شوهر از لغزش‌ها، کج‌خلقی‌ها و اشتباهات همدیگر است؛ زیرا در صورت داشتن روحیهٔ مشترک، باز از اشتباه، خطا و عصبانیت در امان نیستند (حسینیا، ۱۳۸۰، ص ۲۰۸؛ کاشفی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۸). نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يُعِزِّكُمْ اللَّهُ» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۲)؛ بر شما باد که عفو و گذشت داشته باشید؛ زیرا عفو و گذشت موجب عزت بنده است، پس در برابر همدیگر گذشت کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند.

پیروی از چنین روشی در زندگی نه‌تنها عامل مؤثر در تقویت و پرورش بُعد درونی و عاطفی افراد به‌شمار می‌آید، بلکه اهمیت و کارایی این رویکرد تا آنجاست که خداوند به‌روشنی رسولش را به اتخاذ چنین شیوه‌ای، دستور می‌دهد: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف: ۱۹۹)؛ ای رسول ما، شیوهٔ عفو، گذشت و بخشش را پیشه‌کن و به نیکوکاری امر نما، و از مردمان نادان روگردان باش.

همچنین امام علی ؑ می‌فرماید: «الْعَفْوُ تَاجُ الْمَكَارِمِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۴۰)؛ عفو و گذشت، زینت فضایل اخلاقی است.

پس، وقتی والدین به این فضیلت نایل آیند، و بر عطف، مهربانی و بخشایشگر بودن اتفاق نظر داشته باشند، می‌توانند گامی بزرگ در زمینه‌سازی تربیت مطلوب دینی فرزندان خویش بردارند. سخت‌گیری نکردن به رفتارهای فرزندان و عفو لغزش‌های آنان، ازجمله عواملی است که در پرورش کرامت و شخصیت عاطفی مطلوب فرزندان مؤثر است. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «خدا رحمت کند کسی که در نیکی و نیکوکاری فرزند خویش را کمک کند و او را نیکوکار تربیت نماید. پرسیدند چگونه، فرمودند آنچه فرزند توان انجام آن را دارد از او بپذیرد و آنچه نمی‌تواند که مطلوب عمل کند یا لغزشی از او صادر می‌شود، بر او ببخشد و با سخت‌گیری او را به گناه وندارد و در برابر او مرتکب اعمال خلاف نشود که او بد تربیت گردد» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶، ص ۵۰). در بیانی امام علی ؑ می‌فرماید: «هرکس کرامت و شخصیت عاطفی‌اش پرورش یابد همهٔ رفتارهای او نیک می‌شود و نیکوکاری و حسن عمل را بر خود دینی می‌داند که موظف به ادای آن است» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ترجمهٔ خوانساری، ج ۱۱۵، ص ۲).

بی‌شک، اتخاذ چنین روشی در سبک زندگی از جانب والدین، زمینه را برای تقویت، تربیت و شکوفاسازی عاطفی فرزندان فراهم می‌کند و تعاملات آنان را به‌نحو مطلوب سامان می‌دهد.

**خ) نیکی در برابر بدی‌ها**

در نظام تربیت اسلام رفتار متعادل و برخورد معقولانه در رویارویی با رفتارهای ناشایست و مذموم فرزند، از راه‌هایی است که به پرورش شخصیت مطلوب عاطفی آنان کمک می‌کند، کار نیک در برابر عمل ناپسند دیگران یا پس از عمل ناشایست خودش، به قدری در زندگی فردی و گروهی انسان‌ها مهم و مؤثر است که افزون بر اینکه سبب شکوفایی و باروری بعد عاطفی افراد می‌شود؛ انسان‌های ناهمگون و متخاصم را با یکدیگر، همگون و مهربان می‌سازد. به بیان دیگر، یکی از شیوه‌های مناسب و اثرگذار که سبب افزایش علاقه‌مندی، مهربانی و عطف میان افراد خانواده و جامعه می‌شود، برگزیدن شیوه نیکی در برابر بدی‌ها و اسائه ادب‌هاست. بر این شیوه در احادیث اسلامی تأکید شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الإحسانُ ألى المُسئِءِ أَحْسَنُ الْفَضْلِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۳۵۴، ص ۱)؛ نیکی کردن به کسی که به تو بدی کرده، برترین ارزش و فضیلت است.

ایشان در حدیث دیگری می‌فرمایند: «أَصْلِحِ الْمُسِيءَ بِخُسْنِ فِعَالِكَ وَذَلَّ عَلَى الْخَيْرِ بِجَمِيلِ مَقَالِكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱۸۲، ص ۲)؛ کسی را که به تو بدی کرده است با نیکی‌ات اصلاح کن و با زیبایی کلامت او را به خیر دلالت کن.

سیره عملی و تربیتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام بر این روش استوار بوده است. آنان در برابر بدی‌های جاهلان، ارتباط کلامی و عملی مناسب را با آنها برقرار می‌ساختند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ارتباط با رفتار عاطفی نیک در برابر رفتارهای ضدعاطفی دیگران می‌فرماید: «صِلْ مَنْ قَطَعَكَ وَأَعْطِ مَنْ حَرَمَكَ وَأَحْسِنْ إِلَى مَنْ آسَأَ إِلَيْكَ وَسَلِّمْ عَلَى مَنْ سَبَّكَ وَأَصِفْ مَنْ خَاصَمَكَ وَأَغْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ كَمَا أَنْكَ تَحَبُّ أَنْ يُعْفَى عَنْكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۸۴)؛ آن که از تو قطع رابطه کرد، پیوندگیر و آن که تو را محروم ساخت عطایش بخش و از آن که به تو ستم روا داشت در گذر.

ایشان همچنین در مقابل بدی که از خود فرد صادر می‌شود، توصیه به خوبی کرده، می‌فرمایند: «إِذَا أَسَأَتْ فَأَحْسِنْ فَإِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (پاینده، ۱۳۶۴، ص ۱۸۸، ح ۱۷۳)؛ وقتی بدی کردی، به دنبال آن نیکی کن که نیکی‌ها بدی‌ها را محو می‌کند.

این شیوه حسنه در برابر بدرفتاری‌ها، کج خلقی‌ها و لغزش‌های فرزندان، به طریق اولی اثربخش‌تر است و زمینه پرورش خوبی‌ها در فرزندان را فراهم می‌سازد.

**د) یار و غمخوار و مایه نشاط بودن**

زن و شوهر برای ایفای نقش ویژه خود در زندگی مشترک، با سختی‌ها و محدودیت‌هایی مواجه‌اند و

چه بسا این کار سبب خستگی روحی و عاطفی آنان شود و نشاط لازم برای پیشبرد و موفقیت خانواده را از آنان سلب کند. در چنین شرایطی اگر زن و شوهر ارتباط عاطفی مطلوب و همکاری صمیمانه داشته و غمخوار یکدیگر باشند و مشکلات و سختی‌ها را تحمل کنند، نشاط اعضای خانواده حفظ و آثار غم و نگرانی از محیط خانه، بیرون می‌رود. در زندگی علوی این باور ظهور و بروز چشمگیری داشت و آنان در سختی‌های زندگی یار و یاور یکدیگر بودند. امیر مؤمنان علیه السلام در بیان تعامل خود و همسرشان، می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكِّشِفُ عَنِّي الْهَمُّومُ وَالْأَحْزَانُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۳۴)؛ به فاطمه علیها السلام نگاه می‌کردم و به واسطه این نگاه همه آندوه‌ها و ناراحتی‌هایم برطرف می‌شد.

غم‌زدایی والدین از یکدیگر، گرچه نشاط شخصیتی را برای‌شان فراهم می‌سازد، ولی این کار، سبب پرورش شخصیت عاطفی در فرزندان می‌شود و آنان را از ابتلا به افسردگی و ارتباط نادرست با دیگران مصون سازد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز این ایجاد نشاط در فرزندان را توصیه کرده‌اند و به سبب تأثیر آن در پرورش شخصیت مطلوب فرزند، برای پدر پاداش آزادکردن بنده در راه خدا را مطرح می‌کنند: «إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَكَلِهِ فَسَرَّهُ كَانِ لِلْوَالِدِ عِتْقُ نَسَمَةٍ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۲۶)؛ پدری که با نگاه مودت‌آمیز خود فرزند خویش را مسرور می‌کند، خداوند به او اجر یک بنده آزاد کردن خواهد داد.

**ذ) هدیه دادن**

هدیه دادن از کارهای پسندیده‌ای است که آثار مثبت و ارزنده‌ای در روابط عاطفی بر جای می‌گذارد. افراد اعم از والدین، همسر، فرزندان، دوستان و اقوام به مناسبت‌های مختلف باید به این کار مهم توجه کنند. با اینکه نوع هدایا برای افراد از نظر سنی، جنسی و میزان ارزش متفاوت است، ولی آنچه مهم است، نفس هدیه دادن است که به پرورش بعد عاطفی افراد مدد می‌رساند و سبب جلب دوستی و علاقه‌مندی بیشتر میان آنان و سبب ماندگاری آن لحظات در ناخودآگاه افراد می‌شود. به دلیل تأثیر مثبت هدیه بر عواطف انسانی است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «تَهَادَوْا تَحَابُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۵، ص ۱۴۴)؛ به یکدیگر هدیه دهید تا زمینه‌ساز محبت میان شما و دیگری شود، پس به‌درستی که هدیه دادن کینه‌ها را از میان می‌برد.

مسئلاً، چنین تعاملی باعث افزایش علاقه میان والدین و فرزندان می‌شود؛ زیرا افراد علاقه و محبت درونی‌شان را با هدیه دادن به همدیگر ابراز می‌کنند که در نوع خود باارزش و درخور توجه است و در رشد شخصیت مطلوب عاطفی آنان مؤثر است.

**ر) هماهنگی میان گفتار و رفتار**

در نظام تربیت دینی، یکی از شاخص‌های اساسی برای سنجش تحقق یک ارزش در رفتار انسان، بروز و ظهور آن در گفتار و رفتار است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بیان الرجل ینبى عن قوة جنانه» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۶۱)؛ بیان هر انسانی حاکی از مراتب قوت نفس و درجه نیروی روانی اوست. ایشان در حدیث دیگری فرموده‌اند: «المرء یوزنُ بقوله، ویقومُ بفعله، فقل ما ترَجَّحَ زنته، وأفعل ما تُجَلُّ قِیمتُه» (همان، ج ۶، ص ۲)؛ آدمی با گفتارش سنجیده می‌شود و با کردارش قیمت پیدا می‌کند. پس تو آنچه را به خودت اعتبار می‌دهد بگو و آنچه بها و ارزش تو را بالا می‌برد انجام بده. همچنین گوینده سخن بیش از آنچه می‌گوید، باید عمل کند تا زینت گفتارش باشد. میان‌رویی در هر کاری، پسندیده و مهم است، به‌خصوص رفتار و گفتار متعادل و سنجیده؛ زیرا کودکان، نوجوانان، جوانان و اطرافیان هرآنچه در گفتار و رفتار بزرگترها و اطرافیان، مشاهده کنند، تصویربرداری کرده، الگوی خویش می‌سازند؛ پس باید نوعی هماهنگی میان دیده‌ها و شنیده‌هایشان ایجاد کرد تا آشفته‌گی در ذهن آنان به وجود نیاید (سادات، ۱۳۸۸، ج ۱۲۲، ص ۲). یکی از اموری که باعث برقراری روابط سالم عاطفی والدین می‌شود، هماهنگ‌سازی میان رفتار و گفتار است. البته این هماهنگی و اعتدال میان قول و فعل باید به‌گونه‌ای باشد که هریک، دیگری را در خارج تصدیق کند، نه اینکه در عمل خلاف آنچه می‌گوید، انجام دهد. عنایت به این شیوه در تربیت، اهمیت فراوانی دارد که باید در زندگی بدان توجه شود.

درمجموع، همسانی، ملازمت و پیوستگی میان علم و عمل در باروری و تقویت عواطف بسیار مهم است (عسگری فر، ۱۳۸۰، ص ۲۶۱). در متون دینی نیز به این پیوستگی و تلازم توجه شده است و خداوند در آیه‌های دوم و سوم سوره مبارکه صف، خطاب به جامعه ایمانی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید، ولی عمل نکنید.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در باب این موضوع می‌فرماید: «أَحِبُّوا الصَّيِّبَانَ وَارْحَمُوهُمْ وَإِذَا وَعَدَ تَمُوهُمْ شَيْئًا فَفُوا لَهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرْتَضُونَهُمْ» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۶، ص ۴۹)؛ کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربانی کنید؛ و هرگاه به آنها وعده دادید وفا کنید؛ زیرا آنها شما را روزی دهنده خود می‌دانند.

**ز) ابراز عواطف مثبت**

در اسلام به ارتباط عاطفی انسان‌ها با یکدیگر برای آثار تربیتی آن بسیار توجه می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْاجْتِهَادُ فِي التَّوَاتُلِ وَالتَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاطُفِ وَالْمُؤَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَتَعَاطُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۲، ص ۱۷۵)؛ مسلمانان موظف‌اند درباره پیوستگی و کمک به یکدیگر به‌ویژه نیازمندان کوشا باشند؛ از عواطف اخلاقی و کمک‌های مالی مضایقه نکنند؛ همچنین در تمام طبقات اجتماعی لازم است، مردم جهات عاطفی و اخلاقی را مراعات کنند.

این ارتباط عاطفی درباره فرزندان اولویت بیشتری دارد. ابراز عواطف مثبت والدین با دو شیوه می‌تواند بر تربیت عاطفی فرزندان اثرگذارند: نخست، اینکه والدین می‌توانند با ابراز عواطف مثبت، کاری کنند که در فرزند موجب احساس مطبوع شود و فرزند برای خوشایندی آنان بکوشد؛ دوم، اینکه وجود والدین هنگام برانگیختگی عواطف مثبت نقشی مهم در پیامد علاقه فرزند به والدین دارد؛ درواقع، به شکل‌گیری نگرش مثبت به سخنان والدین می‌انجامد و زمینه را برای همکاری و پذیرش پیشنهادهاى آنها در ابعاد مختلف فراهم می‌سازد؛ بنابراین، آنچه ما به‌مثابه مبنای ارتباط مؤثر والدین و فرزندان می‌طلبیم، می‌توانیم براساس ابراز عواطف مثبت از سوی والدین به فرزندان پیگیری کنیم، همان‌گونه که نقطه مقابل آن، یعنی ابراز عواطف منفی، می‌تواند به سردی روابط والدین با فرزندان و سست شدن ارتباط مؤثر و مطلوب آنان بینجامد و به‌تدریج در کجروی فرزندان اثر گذارد (احمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۳). رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ابراز عواطف و علاقه نشان دادن والدین به فرزند را در ارتقای درجات بهشتی مؤثر می‌دانست: «قُبْلَةُ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ» (طبرسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۰)؛ فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه‌ای که بر فرزندان می‌زنید، یک درجه در بهشت خواهید داشت که فاصله هر درجه تا درجه دیگر به اندازه پانصد سال راه است.

در بیان دیگری نگاه عاطفی و مهربانانه والدین به فرزندان را عبادت می‌دانستند: «نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَكَلِدِهِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۷۰)؛ نگاه پدر و مادر به فرزند، از روی مهر و محبت، عبادت است.

**س) توجه به امنیت روانی**

خانواده مهم‌ترین کانون تأمین‌کننده نیازهای جسمانی، روانی و معنوی فرزندان است و همه تلاش پدران و مادران مسئول و آگاه باید بر این اصل بنیاد شود که فضای خانه و خانواده سرشار از امنیت، محبت و آرامش باشد. اعضای خانواده به‌ویژه فرزندان باید در خانه احساس امنیت و آرامش روانی



هم در ابعاد مختلف صلاحیت داشته باشند و هم از هر نظر در حد اعلائی از ویژگی‌ها باشند، جاذبیت و تأثیر بیشتری خواهند داشت. در سوره انعام پس از بیان مطالبی درباره پیامبران گذشته که نمونه‌های بارز هدایت و شایستگی بودند، خطاب به پیامبر اسلام ﷺ چنین آمده است: «اولئک الذین هدی الله فبهدیهم اقتده» (انعام: ۹۰)؛ چون اینان هدایت‌شده خدایند، تو ای پیامبر به هدایت آنان اقتدا کن.

امام علی علیه السلام مؤمنان را به پیروی از اهل بیت پیامبر ﷺ به مثابه بهترین الگوی هدایت‌مند، سفارش می‌فرمود: «به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می‌روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتتان نمی‌اندازند. اگر نشستند، بنشینید و اگر برخاستند برخیزید. بر آنان پیشی مگیرید که گمراه می‌شوید و از آنان پس نمانید که تباه می‌گردید» (نهج البلاغه، خ ۹۷)

هماهنگی میان افعال و گفتار والدین الگو، نکته دیگری است که بسیار حایز اهمیت است. مثلاً اگر شاخص‌های گفتاری با رفتار هماهنگ باشد و قول و فعل یکدیگر را تصدیق کنند، به وحدت رفتار و تثبیت آن در مرتبی و اثرپذیری او بسیار کمک می‌کند؛ درحالی‌که هماهنگ نبودن آنها منجر به دوگانگی رفتار در مرتبی خواهد شد. امام علی علیه السلام که خود شاخص وارستگی است، به این هماهنگی در میان گفتار و اعمال خود اشاره می‌کند: «ای مردم، سوگند به خدا، شما را به طاعتی ترغیب نمی‌کنم، مگر آنکه از شما پیشی گیرم و شما را از معصیتی منع نمی‌کنم، مگر آنکه پیش از شما از آن باز می‌ایستم» (نهج البلاغه، خ ۱۷۵). تداوم و استمرار در الگو بودن والدین، نیز بسیار مهم است، چه بسا فرزندان، به رشد فکری لازم نرسیده باشند و دچار غفلت، تشخیص غلط، یا الگوهای نادرست شوند و در مسیر انحرافی با سرعت، به پیش روند.

بنابراین، الگوی صالح بودن والدین، از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین روش‌های یادگیری و اجتماعی شدن فرزندان در تربیت عاطفی و مطلوب دینی است. فرزندان به دلیل آمادگی ذهنی، سادگی و بی‌آلایشی روحی، پاکی سرشت و انگیزه گرایشی شدید به انتخاب معیار در زندگی خود دارند و در نخستین گام پدر و مادر را سرمشق خویش قرار می‌دهند و در صورت شایسته نبودن الگو و فقدان روابط عاطفی میان والدین، بر شخصیت فرزندان اثری نامطلوب می‌گذارد (فلاح رفیع، ۱۳۹۱، ص ۳۵). والدین بمانند همه کسانی که می‌خواهند به سوی کمالات انسانی قدم بردارند، باید براساس آیه: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱) با تأسی بر اسوه حسنه بودن رسول‌الله ﷺ، شاخصی مناسب برای فرزندان و کسانی که با آنها زندگی

کنند و کانون خانواده را بهترین و امن‌ترین پناهگاه بدانند. میان والدین و فرزندان باید رابطه‌ای ایجاد شود که آنان بتوانند آزادانه احساسات، اضطراب‌ها و نگرانی‌های خود را بدون احساس ترس یا طرد شدن با والدین در میان بگذارند (سامانی، رضویه، ۱۳۸۶، ص ۳۰-۳۳). والدین باید فرزندان را بدون شرط و آن‌گونه که هست بپذیرند؛ هرچند ممکن است رفتار فرزند دلخواه آنان نباشد. نباید دائماً لغزش‌های فرزند یادآوری شود و او را ملامت کرد و برای گناهانشان همواره کیفر شوند (ر.ک: نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۰۵)، که این‌گونه کارها امنیت آنان را به خطر می‌اندازد. نباید به‌گونه‌ای حرف زد یا رفتار کرد که فرزندان دائماً احساس کنند تویخ می‌شوند؛ بلکه باید از کارهای نادرست که انجام داده‌اند آگاه شوند و میزان فاصله آنها از حق و حقیقت برایشان مکشوف گردد. آنان باید بفهمند که از آلودگی‌ها روی برگردانند و به‌گونه‌ای رفتار کنند که نیکوکاران رفتار می‌نمایند (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۵). بنابراین، در آموزه‌ها و تعالیم اسلامی، خانواده مطلوب خانواده‌ای است که میان انگیزه‌های متنوع اعضای خانواده، تعادل ایجاد کرده و ضمن معرفی الگوهای برتر دینی، آنان را از آلودگی‌ها و درگیری‌های روانی رهایی می‌بخشد.

### ش) الگودهی

از بهترین عوامل مؤثر در تربیت عاطفی، اخلاقی، روانی و اجتماعی فرزند الگودهی است. والدین نخستین الگوهای تربیتی فرزندانند و مسئولیت‌های دشواری در این زمینه بر عهده دارند؛ مسئولیتی که باعث رشد و شکوفایی عواطف و فضایل اخلاقی خود و در پی آن فرزندان‌شان می‌شود. والدین با این مسئولیت باید نمونه افراد صالح و شایسته باشند و خوبی‌ها را برای فرزندان، در عمل، به نمایش بگذارند تا امیال فطری آنان به رفتارهای شایسته و نیک از حالت بالقوه به فعلیت برسند؛ زیرا اگر پدر و مادر به این نکته توجه نکنند، نه تنها زندگی فردی خود را با ناپاکی‌ها می‌آیند، زندگی توأم با ناشایستگی‌ها برای فرزندان خود ترسیم خواهند کرد.

شرط اساسی در این اثرگذاری، برخوردراری والدین الگو از شخصیت مطلوب و انجام رفتارهای ارزشی است؛ چراکه بدون آن نمی‌توانند این نقش را داشته باشند. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «کیف یصلح غیره من لم یصلح نفسه؟» (تمیمی آمدی، ج ۵۶۴، ص ۴)؛ چگونه کسی که خود صالح نگردیده است می‌تواند دیگری را اصلاح کند؟

در این‌باره هرچه والدین الگو کمال بیشتری داشته باشند، میزان تأثیر و قدرت نفوذ آنان در فرزندان بیشتر است. علاوه بر کمال، جامعیت الگوها نیز سهم وافر در این اثرگذاری دارد؛ یعنی اگر والدین

می‌کنند، باشند و آنان را عملاً با الگوی برتر دینی که رسول الله ﷺ است آشنا سازند و ایشان را در زوایای زندگی، هدف خویش قرار دهند (میرزابیگی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹-۱۳۰). این الگودهی والدین زمینه سعادت دنیوی و اخروی و نیل به حیات طیبه جاوید را در زندگی فرزندان فراهم می‌سازد.

### بحث و تفسیر

نهاد خانواده به صورت یک سیستم متعامل و به هم پیوسته است که هریک از اعضای آن متناسب با جایگاه و نقشی که دارند، بر همدیگر اثر می‌گذارند. والدین مهم‌ترین نقش را در خانواده دارند و می‌توانند در صورتی که عوامل مؤثر بر تربیت را به کار گیرند، در رشد، پرورش و تحول شخصیتی فرزندان سهمی بسزا داشته باشند و در مقام یک مربی از بروز اختلافات شخصیتی در آنان پیشگیری کنند. یکی از عوامل مهم و اثرگذار بر تربیت فرزندان، مشاهده روابط مطلوب میان والدین است. منشأ این روابط مطلوب والدین، به فعلیت رساندن عواطفشان است. عاطفه به مفهوم توجه، تمایل و گرایش یاورانه به دیگر است که همراه با رحمت و رأفت از خود به صورت‌های گوناگون به دیگری بروز می‌دهند. والدین با به جریان انداختن توانمندی‌های بالقوه عاطفی به شکل مثبت و کارآمدی بر روند تربیتی یکدیگر و فرزندان اثر می‌گذارند.

بر اساس آنچه ذکر شد، بارز نمودن و شکوفاسازی توانمندی‌های عاطفی در میان همسران، نه تنها ارتباط میان آن دو را در سطوح مختلف سامان می‌دهد، بلکه به ارتقاء و سالم‌سازی روابط با دیگران، از جمله خدا و نیز جو خانواده‌گی سالم‌تر برای دوری از تنش و درگیری و پرورش فطرت و توانمندی‌های سرشتی فرزندان به سوی خوبی و خیر باشد. به بیان دیگر، پدر و مادر در جایگاه محوری‌ترین عنصر تعاملات خانوادگی، وقتی التزام اساسی به آموزه‌های اخلاقی، ارزشی، دینی و عاطفی در روابط همسری داشته باشند، می‌توانند الگوی مقبول و ارزنده‌ای برای انتقال مفاهیم و آموزه‌های نظام ارزشی جهانی، انسانی، فرازمانی و فرامکانی دین اسلام به فرزندان خویش باشند و شخصیت و هویت وجودی آنان را پایه‌ریزی کنند. البته برای نیل به این کار مهم، والدینی موفق‌اند که بتوانند به امور ذیل پردازند:

۱. بینش‌ها و باورهای دینی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خودشان را همسو کنند؛
۲. در ارتباط متقابل خود با همسر، همواره احترام همدیگر را حفظ کنند؛
۳. هنگام سخن گفتن، با لحنی محبت‌آمیز و با نیتی خیرخواهانه وارد شوند؛

۴. اشکال‌ها و انتقادات را دور از حضور فرزندان بازگو و حل و فصل کنند، به گونه‌ای که شخصیت و عزت نفس فرد، همواره حفظ شود؛
۵. نگرش نعمتی به یکدیگر دارند؛
۶. همدیگر را به بهترین نام و لقب خطاب کنند؛
۷. اوقات خوش خانه را با سخنان و گفتاری که سبب رشد و تعالی شخصیت خود و فرزندان شود، صرف کنند؛
۸. حقوق یکدیگر را کاملاً رعایت کنند تا امنیت روانی برایشان فراهم شود؛
۹. از اسوه بودن خودشان برای فرزندان، با ارائه رفتارهای سالم و منطبق با معیارهای دینی محافظت کنند.

با توجه به نقش گسترده عوامل گوناگون در تربیت عاطفی فرزندان، پیشنهاد می‌شود تا محققان، کارشناسان و متولیان امور فرهنگی - تربیتی و مشاوران خانواده نحوه توانمندسازی خانواده‌ها و تجهیز آنان به این عوامل و چگونگی به‌کارگیری آنها را پژوهش کنند و سیاست‌های پژوهشی و جهت‌گیری‌های علمی، فکری و روان‌شناختی را متوجه چگونگی تشکیل پایایی و پویایی روابط مطلوب عاطفی خانواده کنند تا والدین برای تربیت عاطفی و پرورش نسلی فرهیخته و فرزندان کارآمد و مسئول آمادگی کافی پیدا کنند.

## منابع

- صافی، احمد (۱۳۸۸)، *مدیریت و اقتصاد در خانواده*، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- صمدی، معصومه، منیره رضایی، «بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین» (۱۳۹۰)، *پژوهش در مسائل تعیم و تربیت اسلامی*، ش ۱۲، ص ۹۵ - ۱۱۷.
- ضیایی، زهرا؛ ضیایی، خدیجه (۱۳۹۰)، تأثیر روابط سالم والدین بر تربیت دینی فرزندان، *طهورا (مطالعات زنان و خانواده)*، سال چهارم، ش ۱۰، ص ۴۱ - ۷۰.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۴ق)، *مکارم الاخلاق*، تحقیق علاء آل جعفر، قم، اسلامی.
- عسگری فر، حسین (۱۳۸۰)، *نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی و طلاق*، تهران، گفتگو.
- فناز نیشابوری، محمدابن احمد (۱۳۷۵)، *روضه الواعضین و بصیره المتعلمین*، قم، رضی.
- فراهیدان، رضا (۱۳۸۸)، *تربیت برتر، آن چه والدین و معلمان باید بدانند*، چ هفتم، قم، بوستان کتاب.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۲)، *آسیب شناسی اجتماعی خانواده و طلاق*، تهران، بدر.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۹۲)، *تربیت جنسی، مبانی، اصول و روشها از منظر قرآن و حدیث*، چ هفتم، قم، دارالحدیث.
- فقیهی، علی نقی و همکاران، «راهکارهای تربیتی زمینه ساز ظهور؛ برگرفته از احادیث» (۱۳۹۲)، *مشرق موعود*، ش ۲۶، ص ۶۵ - ۸۹.
- فلاح رفیع، علی، «روش شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها» (۱۳۹۱)، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۲، ص ۳۳ - ۵۷.
- قائمی امیری، علی (۱۳۸۳)، *خانواده و مسائل همسران*، چ سیزدهم، تهران، امیری.
- کاشفی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، *آیین مهرورزی*، چ هفتم، قم، بوستان کتاب.
- کامران، فریدون، «نقش عدم همدلی والدین بر بزهکاری نوجوانان» (۱۳۸۴)، *جامعه شناسی*، ش ۴، ص ۱۰۵ - ۱۱۶.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۴۴)، *اصول کافی*، تهران، علمیه اسلامی.
- کلینکه، کریس. ال (۱۳۸۰)، *مهارت‌های زندگی*، ترجمه شهرام محمد خانی، تهران، اسپند.
- گلدارد، دیوید (۱۳۹۰)، *مفاهیم و مباحث تخصصی در مشاوره، آموزش و کاربرد مهارت‌های خرد در مشاوره*، ترجمه سیمین حسینیان، چ چهاردهم، تهران، دیدار.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- مصباح، محمدتقی (۱۳۸۷)، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ملکی، حسن (۱۳۸۵)، *چگونه با تفاهم زندگی کنیم (برای زوج‌های جوان و خانواده‌ها)*، چ سوم، زنجان، نیکان.
- موسوی زنجانرودی، مجتبی (۱۳۷۷)، *تربیت مذهبی کودک*، چ دوم، قم، میثم تمار.
- میرزاییگی، حسنعلی (۱۳۸۷)، *خانواده و امام خمینی (ره)*، قم، فراگفت.
- میناگر، عبدالرضا (۱۳۹۰)، *اخلاق و تربیت اسلامی*، چ پنجم، قم، ابتکار دانش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد (۱۳۷۳)، *غرر الحکم و دررالکلم*، ترجمه محمد خوانساری، تهران، دانشگاه تهران.
- احمدی، محمدرضا، «مبانی روان شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده» (۱۳۸۵)، *معرفت*، ش ۱۰۴، ص ۱۸-۲۵.
- \_\_\_\_\_، «نقش صله رحم در بهداشت روانی» (۱۳۸۰)، *معرفت*، ش ۴۸، ص ۲۹-۳۷.
- اسماعیلی‌یزدی، عباس (۱۳۸۵)، *فرهنگ تربیت*، چ دوم، قم، مسجد مقدس جمکران.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۹)، *نظام خانواده در اسلام*، چ شصت و نهم، تهران، ام‌ایبها.
- برنشتاین، اچ فلیپ (۱۳۷۷)، *شناخت و درمان اختلال‌های زناشویی (زناشویی درمانی)*، ترجمه حمیدرضا سهرابی، تهران، رسا.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۴)، *نهج الفصاحه (با ترجمه فارسی)*، تهران، جاویدان.
- پناهی، علی احمد، احمدحسین شریفی، «بایسته‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزندان» (۱۳۸۸)، *معرفت اخلاقی*، ش ۱، ص ۱۱۹-۱۴۲.
- حرآنی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقیق علی اکبر غفاری، با ترجمه فارسی، تهران، اسلامی.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۲ق)، *وسائل الشیعه*، بیروت، آل‌البت.
- حسینی، داود (۱۳۸۸)، *روابط سالم در خانواده*، چ یازدهم، قم، بوستان کتاب.
- حسین زاده، علی (۱۳۸۸)، *همسران سازگار، راه‌های سازگاری*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسینیا، احمد (۱۳۸۰)، *بهداشت روانی ازدواج و همسراری*، تهران، مفید.
- حیدری، مجتبی (۱۳۸۷)، *دینداری و رضامندی خانوادگی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
- دیویس، کنث (۱۳۸۸)، *خانواده، راهنمای مفاهیم و فنون برای متخصص یآوری*، ترجمه فرشاد بهاری، تهران، تزکیه.
- ریچموند، ویرجینیایی (۱۳۸۷)، *رفتار غیر کلامی در روابط میان فردی*، ترجمه: فاطمه سادات موسوی و ژیللا عبدالله پور، تهران، دانژه.
- سادات، محمدعلی (۱۳۸۸)، *راهنمای پدران و مادران*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سامانی، سیامک؛ رضویه، اصغر، «رابطه همبستگی خانواده و استقلال عاطفی با مشکلات عاطفی» (۱۳۸۶)، *سلامت روانشناختی*، ش ۱، ص ۳۰ - ۳۷.
- سپاه منصور، مژگان و همکاران، «ادراک دلبستگی کودکی، دلبستگی بزرگسال و دلبستگی به خدا، روانشناسی تحولی» (۱۳۸۷)، *روانشناسان ایرانی*، ش ۱۵، ص ۲۵۳ - ۲۶۵.
- سید رضی (۱۳۸۷)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمددشتی، قم، جمال.
- شریف قریشی، باقر (۱۳۶۲)، *نظام تربیت اسلام*، تهران، فجر.

نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۷۶)، *الغیبه*، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق.  
نوابی نژاد، شکوه (۱۳۷۵)، *سه گفتار درباره راهنمایی تربیت فرزندان*، چ ششم، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.  
نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستطب المسائل*، بیروت، آل البيت لاحیاء التراث.  
نیک نژادی، فرزانه و همکاران، «تأثیر آموزش روش های تربیتی بر اساس دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی بر تغییر نگرش مادران در تربیت فرزندان» (۱۳۸۶)، *پژوهش در برنامه ریزی درسی*، ش ۱۴، ص ۲۳ - ۴۲.  
یوسفیان، نعمت الله (۱۳۸۶)، *تربیت دینی*، قم، زمزم هدایت.

Adkins, K.L (2003), Predicting Self-esteem Based On Perceived Parental Favoritism And Birth Order. Retrieved November 11, 2006, From <http://submit.etsu.edu/etd/these/available/etd.0326103.094949/unrestricted/AdkinsKD40803f.Pdf>.

Bandura, A. (1977). *Social Learning Theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Becker, H & Epstein, J (1993), Parent Invoiment: A Survey Of Teacher Practic. *The Elementary School Journal*, 83, 85-102.

Brown, B & Francis, S (1993), Participation In School: Perception Of Self & Family. *Adolescence*, 28, 383-391.

Canter, K.A. (2002). Defemining The Effects On Parental Attitudes And Parenting Styles Towards Child Rearing After Participation IN a Rural Parenting Program. Retrieved September 18, 2006, From <http://etd.wvu.edu/templates/showETD.cfm?Rechum=1486>.

Eisenberg, N & Losoya, S (1997), *Emotionl Responding: Regulation, Social Correlates & Soicialization* (pp129-162) New York: Basic Book.

Henderson, A. T., And N. Berla (1994), *A New Generation Of Evidence: The Family Is Critical To Student Achievement*. Washington, DC: National Committee For Citizens In Education. ERIC Document Reproduction Service No. ED37596.

Moor, K.A. Guzman, L. Hair, Elizabeth. Lippman, Laura & Garrett, Sarah (2004), *Parent-teen Relationships And Interaction*. Retrieved Februray 2, 2006. From <http://www.childtrend.org>.

Vincent, C & Tom, L (2000), *Hom-School Relationship: The Swarning Of Disciplinary Mechanism?* In Ball, S.J. *Sociology Of Education: Major Themes*. London: Routledge Palmer.

